



The Reflection of Pilgrimage Rituals and the Condition of Pilgrims in the Razavi Praises of the Safavid Period

Fatemeh Taslim Jahromi*¹

Research history

No research has been done on the customs of pilgrimage and pilgrims to the shrine of the eighth Imam in Persian poetry, but the history of research on other topics related to Razavi praises in Persian and Arabic poetry is extensive. There are some cases such as the book of Razavi shrine according to the narration of history (2015) by the great scholar and the mirrors of the holy shrine of Razavi (2017) written by the Mahdavi Brotherhood and a critique of the history and customs of the Razavi shrine. In this research, in order to inform the customs and traditions of the people during the pilgrimage of Imam Reza (AS) in the Safavid period and the status of the shrine, religious sources, memoirs, historical books, endowments and travelogues that have been written in this period have been used.

Goals, questions, and assumptions

The literary contents of these praises, along with long praises and manqabat, express information about the condition of the shrine and the Razavi court and the customs of pilgrimage and pilgrims in this period. Due to the large number of poets and the volume of poems left over from the tenth to twelfth centuries, the statistical population of

Received: 27/02/2022

Accepted: 31/05/2022

* Corresponding Author's E-mail:
taslim@jahromu.ac.ir

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Jahrom University, Jahrom, Iran. (Corresponding author)
<http://orcid.org/0000-0002-8020-9538>



this research is the Razavi Praises of 21 prominent poets of this era with more than 20 thousand and 25 verses. Of course, the descriptions and information of sociology and anthropology in these praises are not the same and have intensity and weakness. This case study takes a look at the reflection of pilgrimage etiquette and the condition of pilgrims in the Razavi praises of this period and has shown their place in the Islamic tradition. Also, there is a focus on the poets of this period that have paid more attention to these customs and the pilgrimage tradition that has attracted the most attention.

Discussion

In Persian literature, in the tenth to twelfth centuries, with the advent of the Safavid dynasty, the composition of Shiite poetry peaked.

The Safavids took special advantage of the existence of the holy court of Imam Reza (AS) in the territory of Iran and the fact that they considered themselves attributed to that Imam through Imam Musa Kazem (AS) (see Brown, vol. 4, p. 41). Numerous historical reports indicate the great attention of Safavid kings to the holy court of Imam Reza (AS) and the attention to the important endowments of the Razavi shrine in the tenth to twelfth centuries, the three main lines of Safavid religious policy about this threshold are: the glory of the Holy Shrine of Hazrat Reza (AS), the creation of welfare facilities for pilgrims and attracting more of them, and the livelihood for the staff of the Holy Shrine of Quds (Rak Khanizadeh, 2012, pp. 150-197).

Pilgrimage customs in Razavi praises of the Safavid period can be divided into different categories. Mustahab prayers and etiquette kissing at the doorstep of the eighth Imam in the Safavid period have also been common among pilgrims, although its frequency is very low in the Razavi poems of the Safavid period and is seen as an example in Razavi praises of poets such as Fahmi Astarabadi or Sayyid Nasfi.



Since the court of Samen Al-Hajj (AS) was considered as the most important Shiite refuge in Iran, poets used this court to intercede and express their needs in the dimension of material and worldly desires, in the Razavi praises in the Safavid era. In the Razavi praises in the Safavid era, the honor of the soil of the shrine and taking the soil of blessing and burial of people near the Razavi shrine is mentioned. Other customs mentioned in the praises of this period are saying goodbye to the shrine and turning the coffin of the deceased around the holy shrine. Crowds of pilgrims, lighting candles, shrine washing, etc. are among the conditions of pilgrims of this period, which is reflected in the poetry of the Safavid period. Sitting in the shrine of Razavi (AS) is another tradition related to this court in the two tenth and twelfth centuries, which is also mentioned in the praises of this period.

Conclusion

In the Razavi poetry of this period, rituals such as fasting and i'tikaaf, turning the coffin around the shrine, reciting the recommended prayers and kissing, and greeting during the pilgrimage of the eighth Imam are mentioned.

Another social benefit of Razavi poetry in the Safavid era is the condition of the pilgrims during the pilgrimage: the fact that most of the pilgrims' heads and faces were dusty because they came on pilgrimage, the congestion during the pilgrimage sometimes led to the breaking of the pilgrims' arms and legs. Pilgrims also brought candles and lighted them as a vow in the shrine.

The poets of this period, in addition to spiritual intercessions, sometimes included their material demands in these hymns.

According to the statistical population of the poets of this research, Saeb Tabrizi and Ashraf Mazandarani have reported the quality of



pilgrimage and pilgrims and the Razavi shrine in their poems more than all the poets of the Safavid era.

References

- Akhvan-e Mahdavi, A., & Nagdi, R. (2017). *Rituals of the holy shrine of Razavi*. Islamic Research Foundation.
- Alamzadeh, B. (2015). *Razavi shrine according to history*. Publisher.
- Brown, E. (1996). *History of Iranian literature: from Sufism to modern age* (translated into Farsi by M. Moqaddadi, Z. Sajjadiyya & A. Nawa'i). Morvarid.
- Khanizadeh, M. (2012). Introduction of one of the endowments of Astan Quds: antique endowments. *Journal of Archival Studies*, 1, 97-150.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۴، خرداد و تیر ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.44.9.4

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی

فاطمه تسلیم جهرمی^{۱*}

(دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰)

چکیده

مدایح رضوی دوره صفویه در کنار مدح و منقبت، فواید تاریخی و اجتماعی نیز دارند و از میان آن‌ها، پاره‌ای از رسوم اجتماعی، آداب زیارت و احوال زائران حرم امام رضا(ع) را در دو قرن دهم تا دوازدهم می‌توان دریافت. براساس یافته‌های این تحقیق، در این مدایح برخی آداب و سنن زیارت، مثل: روشنائی، تعطیر، تابوت‌گردانی، بست‌نشینی، آستان‌بوسی، اقامه نماز مستحبی در حرم رضوی، شفاعت‌خواهی و ... آمده است. یکی دیگر از نکات شایسته توجه در شفاعت‌خواهی در مدایح رضوی این دوره، ابراز حاجات و خواسته‌های مادی و معنوی و به نوعی قطعات تقاضایی شعرا به درگاه امام هشتم است که در شعر این دوره، با عنوان «تخلص به مدح شاه خراسان یا امام رضا(ع)» آمده‌اند. درباره احوال زائران نیز به نکاتی چون: ازدحام زوآر، سر و روی خاک‌آلود زائران، شکستن دست و پای زائران بر اثر ازدحام، دفن تعداد زیادی از مردم در حرم و ... در این مدایح اشاره شده که بیانگر وضعیت اجتماعی حرم رضوی در آن دوران است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد آیین‌های زیارت حرم

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جهرم، جهرم، ایران.

*taslim@jahromu.ac.ir.

<http://orcid.org/0000-0002-8020-9538>

رضوی و احوال زائران در مشهد در دوره صفوی چگونه بوده و در مدایح رضوی به چه صورتی منعکس شده است. بازتاب این رسوم نشان‌دهنده این موضوع است که شعر این دوره پشتیبان و ادامه خط فکری و سیاست مذهبی صفویان در برابر رقبای سنی مذهبی چون ازبکان و عثمانیان بوده است.

واژه‌های کلیدی: دوره صفوی، مدایح رضوی، امام رضا^(ع)، زائران، زیارت.

۱. مقدمه

در کنار متون تاریخی و اجتماعی، طیف گسترده‌ای از متون ادبی و اشعار فارسی نیز مسائل اجتماعی دوره صفوی را در خود بازتاب داده‌اند. در این میان، فرهنگ و آداب و رسوم عامه بخشی از این متون است که مسائل اجتماعی مردم عادی را بازتاب می‌دهد. با حذف خلافت عربی و تصرف بغداد به دست هلاکو و کاهش قدرت سیاسی - اجتماعی اهل تسنن، راه برای تقویت تشیع در عهد صفویه فراهم شد که یکی از نتایج آن، آمیخته شدن تشیع و تصوف بود. اولین صوفی که با آمیزه‌ای از تصوف و تشیع، آغازگر حکومت صفویان شد، شیخ جنید، جد بزرگ شاه اسماعیل صفوی بود. شاه اسماعیل، پادشاه صفوی نیز مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی ایران اعلام کرد. اعلام پادشاهی وی درحالی بود که هنوز مذهب شیعه در ایران در اقلیت بود و حتی در شهری چون مشهد که حرم رضوی در آن قرار داشت، اکثریت با اهل تسنن بود (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۰).

نزاع دولت عثمانی و صفویه از یک سو و نزاع ازبکان با صفویان از سوی دیگر، نشان آن بود که به رغم فشار تسنن از دو سوی بر ایران، دولت صفوی حامی و حافظ تشیع امامیه است. در چنین شرایطی مردم و حتی علما برای حفظ تشیع در

برابر سلطه‌جویی خلافت عثمانی خود را ملزم به دفاع از دولت صفوی می‌دیدند (جعفریان، ۱۳۷۹، ج. ۱/ص. ۴۸۴).

یکی از مظاهر حمایت مردم از دولت صفوی، توجه به ائمه شیعه بود. در ادبیات فارسی با روی کار آمدن سلسله صفویه در دو قرن دهم تا دوازدهم، سرایش اشعار شیعی اوج گرفت. شعر رضوی و مدایح رضوی به ابراز ارادت شعرا به امام هشتم شیعیان، به شیوه‌ای هنری و ادبی به سیره و سیمای امام رضا^(ع) و در گونه‌هایی چون، مدح، مفاخره، مرثیه، عرفان، حماسه و... می‌پردازد. بسامد اشعار رضوی در تاریخ ادبیات فارسی متغیر است، اما در این دو قرن، بعد از مدایح علوی، بیشترین مدایح آیینی متعلق به شعر رضوی و شعر مهدوی است که البته با سیاست مذهبی صفوی نیز مرتبط است: «با قدرت یافتن حکومت صفوی در اوایل قرن دهم هجری، نخستین پایگاه رسمی برای حمایت تشیع ایجاد می‌شود و نظام و بنیانی پی‌ریزی می‌گردد که در آن گرایشی خاص نسبت به آیین و اهمیت به آن به‌خصوص در حیطه مدح و منقبت بزرگان تشیع دیده می‌شود» (صفا، ۱۳۶۶، ج. ۴/ص. ۷۹۴). سخن شاه طهماسب در پاسخ به مدیحه محتشم کاشانی نیز از توجه و حمایت شاهان صفوی از اشعار شیعی حکایت دارد: «شاه جنت‌مکان فرمودند که من راضی نیستم که شعرا به مدح و ثنای من زبان آلائند. قصاید در شأن ولایت‌پناه و ائمه معصومین بگویند، صله اول از ارواح مقدسه حضرات و بعد از آن از ما توقع نمایند» (اسکندریگ منشی، ۱۳۷۷، ص. ۱۷۸). این سخن باعث شد که شاعران این عصر، مدح مستقیم شاهان را برای مدتی رها کنند و به مدح و منقبت ائمه اطهار روی آورند. شاعران بزرگی مانند بابافغانی شیرازی، محتشم کاشانی، کلیم کاشانی و بعدها ثابت بروجرودی، سالک قزوینی و صغیر اصفهانی در عهد صفوی ظهور کردند و مدایح مذهبی را گسترش دادند.

درواقع دال مرکزی گفتمان ادبی صفویه شعر شیعی است. این گفتمان ادبی از تشیع تأثیر گرفته است که گفتمان سیاسی حاکم بوده است. گفتمان‌ها برآند تا معانی مدنظر خود را ترویج دهند و معانی دیگر را به حاشیه برانند. بر این اساس صفویان شعر شیعی را برجسته کردند و در نقطه مقابل، شعر مدحی و گاه به‌طور کلی، شعر را به حاشیه راندند (پورنامداریان و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱).

۱-۱. بیان مسئله

صفویان از وجود بارگاه مقدس امام رضا^(ع) در قلمرو ایران و اینکه خود را از طریق امام موسی کاظم^(ع) منسوب به آن حضرت می‌دانستند، به‌طور ویژه بهره بردند (براون، ۱۳۷۵، ج ۴، ص. ۴۱). گزارش‌های تاریخی متعدد، حکایت از توجه زیاد پادشاهان صفوی به بارگاه مطهر امام رضا^(ع) دارد و توجه به وقف‌نامه‌های مهم حرم رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم، سه خط اصلی سیاست مذهبی صفویان را درباره این آستان، یعنی؛ شکوهمندی آستان مقدس حضرت رضا^(ع)، ایجاد امکانات رفاهی برای زائران برای جذب بیشتر آنان و تأمین معاش کارکنان آستان قدس را به خوبی نشان می‌دهد (خانی‌زاده، ۱۳۹۱، صص. ۱۵۰-۱۹۷).

پیداست که سیاست دینی صفویان در افکار سرایندگان این عهد نیز بی‌اثر نبود. با توجه به تعدد شاعران، محتویات ادبی این مدایح در کنار مدح و منقبت‌های طولانی، بیانگر اطلاعاتی درباره وضعیت حرم و بارگاه رضوی و آداب و رسوم زیارت و زائران در این دوره نیز هستند. اهمیت این موضوع از آنجاست که در دوره صفویه به‌عنوان نخستین حکومت مرکزی شیعی، مردم چگونه به زیارت می‌رفتند و آداب زیارت در شعر به‌عنوان یکی از مظاهر فرهنگ شیعی چگونه یاد شده است. این امر از نظر مقایسه این آداب زیارت با روزگار معاصر نیز شایسته توجه است. با توجه به اینکه حرم مطهر

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

رضوی در سیاست مذهبی صفویان برای ترویج تشیع نقش داشته است، این پژوهش به صورت موردی، نگاهی به بازتاب آداب زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی این دوره دارد و جایگاه آن‌ها را در سنت اسلامی نشان داده است. در این مقاله به اینکه کدام شاعران این دوره بیشتر به این آداب و رسوم توجه نشان داده‌اند و اینکه کدام رسم زیارت بیش از همه موردتوجه بوده، نیز پرداخته شده است.

۲-۱. روش تحقیق

این پژوهش نخست آداب و رسوم زیارت و احوال زائران را در مدایح رضوی جمع‌آوری و پس از یادداشت‌برداری و دسته‌بندی، به صورت توصیفی - تحلیلی، بررسی کرده است.

به دلیل تعدد شاعران و حجم اشعار به‌جامانده از دو قرن دهم تا دوازدهم، جامعه آماری این تحقیق، مدایح رضوی ۲۱ شاعر برجسته این عهد و بیش از ۲۰ هزار بیت است. در این نمونه‌گیری مشخص شد مناقب رضوی در دیوان اشعار بیش از ۲۷ شاعر مشهور دوره صفوی، در قالب قصیده، ترکیب‌بند، رباعی و غزل وجود دارد. شاعرانی مانند: صائب، محتشم، شیخ بهایی، خواندمیر، صیدی تهرانی، سیدای نسفی، شاپور تهرانی، فضولی بغدادی، بابافغانی، اشرف مازندرانی، وحشی بافقی، اهلی شیرازی، نظیری نیشابوری، واعظ قزوینی، حزین لاهیجی، فصیحی هروی، تأثیر تبریزی، طالب آملی، قصّاب کاشانی، جویای تبریزی، فیاض لاهیجی، فیض کاشانی، شیخ علینقی کمره‌ای، ملاحسین ناظم هروی و میرداماد.

جغرافیای مدایح رضوی در دوره صفوی نیز شایسته توجه است و بیانگر این است این شاعران از خطه‌های مختلف از داخل و خارج قلمرو ایران برخاسته‌اند؛ شاعرانی از شیراز، تهران، اصفهان، تبریز، مازندران، آمل، بافق، نیشابور، کاشان، لاهیجان، هرات،

بغداد، هند، قزوین و... البته توصیفات و اطلاعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در این مدایح به یک اندازه نیست و شدت و ضعف دارد.

در این پژوهش برای اطلاع از آداب زیارت امام رضا(ع) در دوره صفویه و اطلاع از وضعیت حرم، از منابع دینی، تذکره‌ها، کتب تاریخی، وقف‌نامه‌ها و سفرنامه‌هایی که در دوره صفوی تألیف شده‌اند، نیز استفاده شده است.

٢. يَشِينُهُ تَحْقِيق

دربارهٔ آداب و رسوم زیارت و زائران در حرم امام هشتم در شعر فارسی تحقیق مستقلی یافت نشد، اما پیشینهٔ تحقیق دربارهٔ سایر موضوعات مرتبط با مدایح رضوی در شعر فارسی و عربی، گسترده است و نویسندگان بسیاری در دوره‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. از جملهٔ متقدمان به مقالاتی چون: «سیمای امام رضا(ع) در شعر فارسی از سنایی تا جامی» (۱۳۸۸) از روح‌الله هادی می‌توان اشاره کرد که سعی کرده مراتب ارادت شاعران را از قرن ششم تا هشتم در شعر فارسی واکاوی کند. احمدی بیرجندی و نقوی‌زاده (۱۳۶۵) نیز در کتاب *مدایح رضوی در شعر فارسی به جمع‌آوری برخی اشعار رضوی بدون رویکرد پژوهشی در تاریخ ادبیات فارسی* پرداخته‌اند.

همچنین به تحقیقاتی می‌توان اشاره کرد که به برخی از جنبه‌های تحقیق حاضر اشاراتی داشته‌اند یا از منظری دیگر به این موضوع نگاه کرده‌اند. در کتاب تفکر شیعه و شعر دوره صفوی (۱۳۸۵) نوشته اسحاق طغیانی، به تفکر شیعه در شعر این دوره پرداخته شده و کم‌وکیف آن، بدون اشاره به گونه‌های شعر آیینی مثل شعر رضوی و جنبه‌های اجتماعی آن، ارزیابی شده است. کتاب‌های حرم رضوی به روایت تاریخ (۱۳۹۴) از عالم‌زاده و آیین‌های حرم مطهر رضوی (۱۳۹۶) نوشته اخوان مهدوی و نقدی نیز به اختصار به مرور تاریخچه و رسوم حرم رضوی پرداخته‌اند.

۳. آداب و رسوم زیارت در مدایح رضوی دوره صفوی

۱-۳. آستان‌بوسی^۱

آستان‌بوسی یکی از آداب تشرّف به حرم مطهر در گذشته بوده است. بوسیدن آستان و درگاه بزرگان، رسمی بود که در گذشته هنگامی که کهتری نزد مهتری می‌رفت انجام می‌داد و نوعی احترام به معنای تشرّف و به خدمت رسیدن، یعنی رفتن نزد بزرگی بود. این امر در گذشته از رسومی دولتی بود که بازنمایی از آیین‌های کهن ملاقات با شاه و دربار بود. در متون و اشعار کهن فارسی نیز از سنت بوسیدن زمین و به خاک افتادن در برابر پادشاهان و بزرگان یاد شده است.

تشرّف به دیدار امام معصوم چه در حال حیات و چه پس از شهادت و هنگام زیارت قبور ائمه، آدابی دارد که آن را از دیدارهای معمولی جدا می‌کند. در متون دینی، بوسیدن زمین به شکرانه توفیق الهی و بر نعمت زیارت و صورت بر زمین نهادن یا بوسه بر آستان زدن، نهایت ادب و ارادت و محبت به یکی از اولیای مقرب درگاه خداست (محدثی، ۱۳۸۶، ص. ۷۲). به عبارت دیگر بوسیدن ضریح و عتبه یا آستانه در به معنای ابراز محبت و علاقه به صاحب قبر است. بوسیدن عتبه و آستان‌ها برگرفته از روایاتی است که به زائر توصیه می‌کند عتبه را ببوسد و آنگاه وارد حرم شود (حر عاملی، ۱۴۲۱ق، ج. ۱۴/ص. ۳۴۳؛ مجلسی، ۱۳۸۰، ج. ۹۹/ص. ۱۱۶). علامه مجلسی گرچه عتبه‌بوسی را به عنوان یکی از آداب زیارت نام برده، ولی چنانکه خود گفته، دلیلی شرعی برای استحباب آن نیافته است (همان). به گفته فاضل نراقی، در بسیاری از زیارت‌های مأثور، به بوسیدن ضریح و قبر تصریح شده است (نراقی، ۱۴۲۲ق، ج. ۳/ص. ۳۰). مثلاً در برخی زیارات آمده است: «وَأَشُوْقَاهُ إِلَى تَقْبِيلِ أَعْتَابِكُمْ، یعنی چقدر مشتاق بوسه بر آستان شما هستم» (مجلسی، ۱۳۸۰، ج. ۹۹/ص. ۲۰۵). در روایاتی آمده است که

بر ضریح می‌توان تکیه کرد و بوسیدن آن جایز است (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴/ ص. ۱۴۱۴، ج ۲/ ص. ۴۴۴؛ حسینی رضوی و حائری، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۹؛ ابن جرزی، ۱۴۰۲، ص. ۳۳۱).

عتبه‌بوسی و سلام دادن به آستان امام هشتم در دوره صفویه نیز در بین زائران رواج داشته است، هرچند یادکرد مستقیم آن در اشعار رضوی دوره صفوی اندک است و به‌عنوان نمونه در مدایح رضوی شاعرانی چون سیدای نسفی دیده می‌شود:

زند گرد رخت سیلی به روی کحل اصفاهان به پابوس تو می‌آیند از هر سو تماشایی
(سیدای نسفی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۱)

می‌بینیم که شاعر مرقد امام را چون درگاه شاهانی می‌بیند که مردم برای عرض ادب به پای‌بوسی آن می‌آیند.

شاعران دیگر دوره صفوی مثل فهمی استرآبادی (۱۳۸۹، ص. ۱۹- ۲۴) نیز هرگاه در اشعار خود خواسته‌اند نامی از آستان حرم مطهر رضوی ببرند به نکاتی چون، خاک آستان، رفعت آستان، برتری آستان و زرین بودن آستان اشاره کرده‌اند.

۲-۳. اقامه نماز مستحبی و سجده شکرانه

خواندن نماز مستحبی در حرم معصومین به قصد قربت و کسب ثواب است. چنانکه علّامه مجلسی در همین دوره می‌گوید:

شیخ ابوطیب حسین بن احمد فقیه ذکر نموده که هر کس حضرت امام رضا(ع) یا یکی دیگر از ائمه طاهرین را زیارت کند و در حرم آن بزرگوار، نماز جعفر طیار بخواند، برای او در برابر هر رکعت نوشته شود ثواب کسی که هزار حجّ و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد نموده، و هزار وقوف با پیامبر مرسل در راه خدا به جای آورده باشد، و به هر گامی که برداشته ثواب صد حجّ و صد عمره و آزاد

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

کردن صد بنده در راه خدا به او دهند، و صد حسنه برایش بنویسند و صد گناه از نامه عملش پاک نمایند (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۱۰۰، ص. ۱۳۷).

به نظر می‌رسد خواندن نماز در حرم امام هشتم از آغاز شکل‌گیری واقعه مطهر مرسوم بوده، زیرا یکی از آداب زیارت خواندن دو رکعت نماز در کنار مرقد ائمه به شکرانه توفیق زیارت است. قدیم‌ترین اسناد مکتوب در این باره از دوره صفوی به جا مانده است (مهدوی و نقدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۶). اشاره به اقامه نماز مستحبی یا نماز زیارت در پایین مرقد مطهر حضرت ثامن‌الائمه در شعر این دوره نیز بازتاب دارد:

می‌گذارد هرکه در پایین پای او نماز می‌دهد بالای سر فردوس جایش را قرار (صائب، ۱۳۸۹، ج ۲، ص. ۱۳۷۰).

سر بر سجده گذاشتن به نشانه شکر و سجده شکرانه به شکرانه اینکه خداوند زائر را به این مکان رسانده و توفیق زیارت به وی داده، از دیگر آداب زیارتی است که در شعر این دوره از آن یاد شده است:

یا شاه غریبان مددی کن که توانم یک سجده شکرانه به کوی تو ادا کرد (حزین لاهیجی، ۱۳۶۲، ص. ۱۶۶)

خواندن ادعیه و زیارات در حرم و بین زائران، از دیگر اموری است که در شعر این دوره از آن یاد شده است.

۳-۳. شفاعت خواهی و ابراز حاجات مادی

شفاعت به عنوان یکی از آموزه‌های دینی عبارت از واسطه قرارگرفتن معصوم بین خلق و خداست. شفع در برابر وتر به معنای فرد است و هنگامی که شخصی همراه خودش را شفاعت می‌کند، او را همراه و دوم خود قرار می‌دهد.

به این مفهوم که مسلمانان در شفاعت پیامبر، اختلافی ندارند، اما شیعیان افزون بر پیامبر، ائمه معصوم را به دلیل آبرومندی پیش خدا، شفیع و واسطه فیض قرار می‌دهند تا نزد خداوند از آنان شفاعت کنند. این مفهوم در ادعیه، جایگاهی والا دارد، به‌طوری که دعای مستقلی به نام دعای توسل در بین ادعیه شیعه وجود دارد که گوینده در این دعا از همه ائمه معصومین می‌خواهد که شفیع بخشش گناهان او نزد پروردگار قرار گیرند. علاوه‌براین، شیعیان به زیارت بسیاری از صحابه، تابعان و عالمان اهل سنت به زیارت قبور پیامبر اسلام و امامان شیعه و بزرگان دین می‌رفته و به آنان توسل می‌جسته و در کنار مرقد آنان به عبادت و استغاثه به درگاه خداوند می‌پرداخته‌اند. سبکی در قرن هفتم درباره شفاعت و شفاعت‌خواهی می‌نویسد: «توسل، فریادخواهی و شفاعت‌خواهی از پیامبر اکرم^(ص) به سوی خداوند متعال جایز و نیکوست و روایی و حسن این امور برای هر دین‌داری، از رفتار انبیا، پیامبران و سبک رفتاری گذشتگان صالح ما و عالمان و عوام روشن است» (سبکی، ۱۳۱۸ق، ص. ۲۹۳).

در دوره صفوی مثلاً شاعر از امام رضا^(ع) درخواست بخشش، عفو و مغفرت نزد خداوند یا شفاعت در روز حشر می‌کند (شاپور تهرانی، ۱۳۸۲، ص. ۵۰۵). در ترکیب‌بندی از محتشم کاشانی به‌جز ابیات پراکنده، یک خانه کامل به شفاعت‌خواهی شاعر از امام رضا^(ع) اختصاص داده شده است که با این بیت آغاز می‌شود:

آنکه کار عاصیان از سعی خُدام تو ساخت مغفرت را کامران از رحمت عام تو ساخت
(محتشم کاشانی، ۱۳۷۹، ص. ۵۵۸)

شفاعت همچنین به معنی درخواست نفع یا دفع ضرر و زیان برای دیگری نیز است. شفیع در شفاعت، اکرام خود را شامل حال مشفوع می‌کند، از این رو زوَّار برای رفع مهمات نیز از حرم رضوی مدد معنوی می‌گرفتند. بارگاه ثامن الحجج^(ع) به‌عنوان

مهم‌ترین ملجأ تشیع در ایران به‌شمار می‌آمد و روایت‌های تاریخی درباره چگونگی توسل شاهان و درباریان به حرم امام هشتم وجود دارد و اینکه شاهان صفوی و امرا و دولتمردان در مهمات امور مثل جنگ‌ها، صلح‌ها و... از آستان این امام کمک می‌خواستند (خورشاه بن القباد الحسینی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹؛ حسینی قزوینی، ۱۳۱۴، ص. ۲۵۱). بنابراین، اظهار حاجت در بُعد خواسته‌های مادی و دنیوی یکی از ویژگی‌های مدایح رضوی در عهد صفوی است. آوردن حوایج مادی در اشعار و قطعات تقاضایی در مدایح رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم، به کثرت دیده می‌شود، درحالی‌که در مدایح دینی قبل از این دوره بیشتر شفاعت‌خواهی اخروی دیده می‌شود. این امر مدایح رضوی را به قطعات تقاضایی شعر دوره سلاجقه و قرن ششم نزدیک می‌کند. شاعران این دوره در ضمن مدح امام رضا(ع)، حوایج مادی و شخصی خود را نیز در پایان مدایح خود عرض می‌کنند. مثلاً اشرف مازندرانی ذیل قصیده خود ضمن بیان بازگشت خود از هند و تردهای نابه‌جا و اشاره به صفت غریب‌نوازی امام هشتم، از امام تقاضای خانه‌ای در جوار حرم می‌کند و می‌گوید:

داورا مسکین نوازا، فیض‌بخش عالما	ای غریبان را هوای بارگاہت سازگار
بعد عمری کز تردهای بیجای سفر	خورده بودم روی دست از دستبرد روزگار
چون حنا باز آمدم از هند با روی سیاه	می‌روم از دست اگر لطف‌ت نباشد دستیار
آرزو دارم که جایم در پناه خود دهی	تا بسایم از تفاخر سر بر اوج اعتبار
می‌تواند کرد، بی‌نام و نشانی را چو من	یک نگین‌واری زمین از آستان نامدار

(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۳)

در شعر رضوی این دوره، شاعران در ضمن مدح امام هشتم از دردمندی خود به نیت شفا و بهبود، بسیار گفته‌اند. مثلاً قصیده‌ای در دیوان صیدی تهرانی است که در

رفع چشم درد از امام رضا^(ع) کمک خواسته و ایشان را مدح کرده است (صیدی تهرانی، ۱۳۶۴، ص. ۳۵). سیدای نسفی نیز با وجود حنفی‌مذهب بودن هنگامی که به دردی مبتلا شد که طبیبان از درمان آن عاجز بودند از بخارا، قصیده‌غرای برای امام هشتم شیعیان سرود که در آن ضمن مدح و منقبت، دردمندی خود را به محضر امام رضا^(ع) عرض کرد و شفای خود را از ایشان خواست (سیدای نسفی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۱). فهمی استرآبادی نیز از حضور بیماران در دارالشفای رضوی سخن می‌گوید (فهمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱).

به نظر می‌رسد سرودن مدایحی در وصف امام رضا^(ع) برای رفع نیازها و خواسته‌ها نزد شاعران آن عهد مرسوم بوده است و به نوعی شاید شاعر صله خود را در برآورده شدن خواسته‌اش توسط امام می‌دیده است، چنانکه قصیده‌ای از اشرف مازندرانی با عنوان «تعریف سرمای مشهد مقدس و تخلص به مدح شاه خراسان»، در دست است که برای توقف بارش برف و بازگشتن به منزل خود در مازندران از امام رضا^(ع) تقاضا کرده است (اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۰).

برخی شاعران نیز احوال شخصی خود را ذیل این مدایح گفته‌اند. فضولی بغدادی در مدیحه خود از امام هشتم می‌خواهد که دشواری‌ها و مصایب سفر به مشهد را برای وی آسان و زیارت خود را نصیب وی کند (فضولی، ۱۳۴۱، ص. ۱۹۹) یا واعظ قزوینی درباره وضعیت پیری خود و پناه بردن به امام رضا^(ع) سخن می‌گوید و از ایشان طلب کمک می‌کند (واعظ قزوینی، ۱۳۵۹، ص. ۵۱۴). جوای تبریزی از قرض‌مندی و وامدار بودن خود به امام رضا^(ع) قصه برمی‌دارد (جوای تبریزی، ۱۳۳۷، ص. ۱۳۸). این گونه اشعار که در دیوان شعرای صفوی تعدادشان هم اندک نیست، در دواوین شعرای این عهد با نام «تخلص به مدح شاه خراسان یا امام رضا^(ع)» یاد می‌شده‌اند.

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

همچنین تقریباً تمام شاعران این دوره، گشاده‌زبانی و روانی طبع برای سرودن اشعاری در مدح و منقبت امام رضا^(ع) از ایشان طلب می‌کنند. شاپور تهرانی در مدیحه‌ای، خود را گوهرفروشی تشبیه می‌کند که بر سر چهارسویی برای رهگذران بساط جواهری از شعر افکنده است و در پایان به صله‌بخشی امام رضا^(ع) اشاره می‌کند:

همچو رباخوارگان کم‌خور و تنهاخور است

پیش صله‌خوار تو، راتبه‌خوار قضا

(شاپور تهرانی، ۱۳۸۲، ص. ۵۰۵)

در زندگی‌نامه بسیاری از شاعران عهد صفوی آمده که مدتی مجاور حرم رضوی در مشهد بوده‌اند و اشعار و مدایح خود را در این شهر سروده‌اند. از آنجا که ایران در این دو قرن درگیر جنگ‌های مختلفی با عثمانیان و ازبکان است، پناه بردن به آستان امام هشتم از مصائب زمانه نیز از مضامین اجتماعی مدایح رضوی است که در اشعار این دوره دیده می‌شود:

قصاب از جفای سپهر آمدم به تنگ بر درگه امام رضا^(ع) می‌برم پناه

(قصاب کاشانی، ۱۳۳۸، ص. ۱۶۳)

۴-۳. شرافت خاک حرم و بردن خاک تبرک

مسلمانان از صدر اسلام، برای قبور پیامبر اسلام و بزرگان دین، احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند. آنان همواره به‌عنوان رفتاری مشروع و اسلامی، در حرم‌ها حضور می‌یافته و با احترام به قبور و توسل به صاحبان آن‌ها، به خداوند متعال تقرّب می‌جسته‌اند. یکی از مقابر مورد احترام و مقدس مسلمان نیز حرم امام هشتم است.

امام رضا^(ع) پس از شهادت در باغ حُمید بن قحطبه در محله سناباد طوس به خاک سپرده شد و پس از آن سرزمین طوس به تدریج به نام مشهد الرضا^(ع) و سپس مشهد،

معروف شد. ذکر شرافت مرقد امام و تقدّس مشهد ایشان در روایات و احادیث زیادی آمده است. مثلاً امام جواد^(ع) فرمود: «همانا بین دو سمت شهر طوس قطعه‌ای می‌باشد که از بهشت گرفته شده است، هر که داخل آن شود و با معرفت زیارت کند، روز قیامت از آتش در امان خواهد بود» (شیخ صدوق، ۱۳۵۴، ج. ۲/ ص. ۲۵۶).

در شعر صفوی بیان می‌شود خاک مرقد امام رضا^(ع) گرد غفلت از دل همه انسان‌ها چه مسلمان و چه غیرمسلمان می‌زداید (باباغانی، ۱۳۵۳، ص. ۸). محتشم کاشانی خاک مشهد را مورد رشک زمین تا آسمان می‌بیند (محتشم، ۱۳۷۹، ص. ۳۰۷). از این روست زائران و مجاوران بارگاه رضوی اعتقاد داشته‌اند خاک زیر پای زائر به دلیل اینکه امام رضا^(ع) زائران خود را بسیار دوست دارد متبرک است و آن را به عنوان تیمن و تبرک، با خود می‌بردند:

می‌گشاید چشم زیر خاک بر روی بهشت هر که از خاک درش با خود برد یک سُرْمه‌وار
(صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲/ ص. ۱۳۷۰)

با توجه به روایات متعدد درباره شرافت حرم علی بن موسی الرضا^(ع) در مشهد، این بقعه برای مشتاقان حضرت جذبه بسیاری داشته است و زائران تمایل فراوانی داشته‌اند بعد از زیارت از اینجا توشه‌ای ببرند و به دلیل اهمیت مسئله تربت و سجده بر خاک در نماز برای شیعیان، تربت ائمه هم در کربلا و هم در مشهد مورد توجه بوده است. شاید به همین علت است که در شعر این دوره از تفاخر به پاک‌بانی و خاک‌روبی آن حرم مطهر با تعظیم یاد شده است:

روح‌اللهی که از نفسش می‌چکید حیات نازد به خاک‌روبی آن آسمان جناب
(صائب تبریزی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۷۲)

با این همه ابراز ارادت و به‌علت شرافت محل، بسیاری از افراد در موقع وفات در جوار حرم رضوی به خاک سپرده می‌شدند یا وصیت می‌کردند که برای تقرّب یا

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

شفاعت امام در این مکان مقدس دفن شوند. در مدایح رضوی این دوره نیز از کثرت مدفونان در حرم یاد شده است:

در فضای آستانش مرده باشد در حیات زندگان را پس نگه کن هبا شد روزگار...
بس که افتاده است در وی، قبر بالای قبر هست هر خشتی ز فرشش دفتری تصویردار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۶)

رسولی و همکاران (۱۳۸۸) در پنج جلد، فهرست مشاهیر مدفون در حرم رضوی را گردآوری کرده‌اند.

۵-۳. وداع رو به حرم و تابوت‌گردانی

یکی از آداب خداحافظی در بقاع متبرکه، وداع رو به حرم و گرداندن تابوت متوفی دور حرم مطهر است. این رسوم زیارت در مدایح رضوی این دوره نیز آمده است، مثلاً شاعر آفتاب را رو به حرم و در حال غروب توصیف و با حسن تعلیل بیان می‌کند که خورشید این شیوه را از زیارت زائران رضوی فرا گرفته است:

بازگردد از طواف روضه‌ات رو به قفا آفتاب این شیوه از زوار دارد یادگار
(همان، ص. ۱۰۶)

نکته قابل توجه دیگر در شعر قرن دهم و دوازدهم، تابوت‌گردانی در حرم رضوی به نشانه اوج احترام و وداع متوفیان است. به‌درستی مشخص نیست برای نخستین‌بار چه کسی یا کسانی پیکر میت را در حرم مطهر رضوی طواف داده‌اند، اما این طواف در دو قرن دهم تا دوازدهم در حرم مطهر رضوی به‌عنوان آخرین وداع متوفی انجام می‌شده است:

می‌کند با اسب چوب از آتش دوزخ گذار هرکه را تابوت گردانند گرد این مزار
(صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۱۳۷۰).

صائب در اشعارش تابوت را مرکب و اسبی چوبین می‌بیند که اگر میتی با آن به طواف حرم رضوی برود، از آسیب آتش دوزخ در امان خواهد ماند (صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲/ ص. ۱۳۷۱).

۳-۶. کیفیت زیارت و احوال زائران

مفهوم زیارت کاربردی فراوان در ادبیات دینی دارد و ارتباط میان انسان و عالم ملکوت را بیان می‌کند. در ادبیات دینی جهان نیز زیارت سابقه‌ای کهن دارد و در اسلام نیز به آن سفارش شده است. درباره فضایل زیارت و زائران مرقد امام رضا^(ع) نیز احادیث زیادی نقل شده است. در یکی از احادیث منقول از امام رضا^(ع) نوشته شده است، به دیگر دوستان و علاقه‌مندان ما بگو، ثواب زیارت قبر من معادل است با یک‌هزار حج. راوی گوید، به امام جواد^(ع) عرض کردم، هزار حج برای ثواب زیارت پدرت می‌باشد؟ فرمود، بلی، هر که پدرم را با معرفت در حقیقت زیارت نماید، هزارهزار، یعنی یک میلیون، حج ثواب زیارتش می‌باشد (نوری، ۱۳۶۸، ج. ۱۰/ ص. ۳۵۹). بنابراین مدایح رضوی دربرگیرنده برخی احوالات زائران نیز است.

۳-۶-۱. ازدحام حرم

نشر احادیث درباره فضایل زیارت حضرت ثامن‌الائمه^(ع) باعث شده بود که از دوران گذشته، به‌ویژه دو قرن مورد اشاره، سوای دوران بیماری و جنگ و ناامنی‌ها، در مشهد همیشه جمعیت فراوانی از زوَّار ساکن، مجاور و مسافر باشند. بنابراین عجیب نیست که یکی از موارد وقف‌نامه بزرگ عتیقی در سال ۹۳۱ق، تأمین غذای فقرا و مساکین و همچنین تأمین نیاز غربا و زواری است که به زیارت حرم می‌آمدند و برمی‌گشتند (خانی‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۵). مهمانسرای رضوی یکی از نخستین مؤسسات آستان

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

قدس بود که از اواخر قرن دهم در جوار بارگاه مطهر امام رضا^(ع) با هدف اطعام زائران و خادمان تأسیس شد. از آنجا که مهمان‌سراهای موقوفه متعددی برای اسکان انبوه زائران در مشهد وجود داشت، بابافغانی به توسیع، حرم ثامن الحجج^(ع) را مهمان‌سرای زائران می‌بیند که در آن با نعمت بهشت از زوآر پذیرایی می‌شود:

تعالی الله زهی مهمان‌سرا کر غایت رحمت نعیم هشت جنت پیش آرند مهمان را

(بابافغانی، ۱۳۴۰، ص. ۶)

صائب نیز در قصاید مدحی خود فضایل متعددی را برای زائران و زیارت امام هشتم بازگو می‌کند و به موضوع می‌پردازد که از شدت ازدحام زائران در حرم رضوی، حتی بال ملائک که در حرم پرواز می‌کنند مانند غنچه جمع می‌شود (صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲/ ص. ۱۳۶۸) و کسی که هجوم زائران را تحمل کند از فشار قبر تا روز جزا آسوده است (همان، ص. ۱۳۷۰) و کسانی که در شمار زائران حضرت باشد می‌توانند در روز شمار، شفیع عالمی باشند و کسی که گرد این مزار بگردد، آتش دوزخ در روز حشر به گردش نمی‌گردد (همان). همچنین تعداد زائران به قدری است که خورشید در افق سفید دیده نمی‌شود:

خورشید از افق نتواند سفید شد از جوش زائران در آن فلک جناب

(صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲/ ص. ۱۳۷۲)

شاعران عهد صفوی علاوه بر بیان جمعیت کثیر زائران حرم رضوی با بهره‌گیری از تخیل خویش آفرینش‌های ادبی زیبایی را داشته‌اند. مثلاً سیدای نسفی می‌گوید گرد راه حرم امام رضا^(ع) از سرمه گران‌بهای اصفهان، برتر است و زائرانی از چهار گوشه دنیا به زیارت حرم رضوی می‌آیند (سیدای نسفی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۱). این زائران از اقاصا نقاط دنیا به شوق زیارت حرم امام هشتم مسیرهای طولانی طی می‌کرده‌اند (شاپور تهرانی، ۱۳۸۲، ص. ۴۹۹). برخی از شاعران نیز در اشعار خود به آرزوی سفر به محل شهادت

امام رضا^(ع) که سناباد طوس بوده، اشاره کرده و گفته‌اند سختی راه برای آنان چیزی نیست و به سان ماه و خورشید، با سر این راه را می‌پیمایند. اگر سر بر خاک مرقد پاک امام هشتم^(ع) بگذارند، فراتر از آن شادی و تفاخری برای ایشان متصور نیست (جویای تبریزی، ۱۳۳۷، ص. ۱۳۹). بنا به راه طولانی و خاک‌آلود مسیرها در آن دوره، سر و روی زائران غبارآلود بوده است:

بر جبین هرکه بنشیند غبار درگهش داخل جنت شود از گرد ره بی‌انتظار
(صائب، ۱۳۸۹، ج ۲/ ص ۱۳۷۰)

باباغانی نیز ثواب زیارت امام رضا^(ع) را برابر با ثواب زیارت خانه خدا معرفی کرده است (باباغانی، ۱۳۴۰، ص. ۳۱). به دلیل اینکه زوَّار حرم امام هشتم^(ع) از شهرهای مختلف به زیارت می‌آمده‌اند و آمدوشد زائران پیوسته بوده و در زیارت دوام وجود داشته و قطع نمی‌شده است (محتشم، ۱۳۷۹، ص. ۵۵۸)، چهار وقف‌نامه از هفت وقف‌نامه مهم در قرن یازدهم مقارن با عصر شاه طهماسب صفوی، به نیت رفع حاجات زائران حضرت امام رضا^(ع) و نیازمندان است (خانی‌زاده، ۱۳۹۱، صص. ۱۵۷-۱۹۷). تعدد زوَّار نیز در شعر این دوره به کرات آمده و حتی گاهی ازدحام حرم و زائران به اندازه‌ای بوده که دست و پای زائران هنگام زیارت می‌شکسته است:

پای ز جا رفته را وقت طواف درت شاید اگر استخوان خودبه‌خود آید به جا
(شاپور تهرانی، ۱۳۸۲، ص. ۵۰۲)

۷-۳. شمع افروزی و تعطیر حرم

تعطیر حرم یکی از آیین‌های بقاع متبرکه از گذشته بوده که به خوشبو کردن و معطر ساختن فضای حرم گفته می‌شود. به کار بردن گلاب، مشک، عنبر، عود، اسپند و کندر برای معطر کردن اماکن متبرکه از دیرباز رایج بوده و قدیم‌ترین سندی که از تعطیر

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

حرم یاد کرده است، متعلق به ۱۰۱۷ق و مقارن با حکومت صفویان است (اخوان مهدوی و نقدی، ۱۳۹۶، ص. ۶۶).

با مطالعه وقف‌نامه‌های دوره صفوی مشخص است در کنار روشنایی حرم، بیشترین وقف در این دوره به نیت خوش‌بویی حرم ثامن‌الحجج^(ع) بوده است که به دلیل ازدحام زائران، وسیله‌ای برای تغییر بوی محیط بوده است. یکی از موادی که علاوه بر روشنی، به دلیل خوش‌بویی آن در حرم رضوی بهره برده می‌شد، شمع‌های کافوری بود:

ندارد احتیاجی روضه‌ات با شمع کافوری کند سرینجه لوح ز شب تا روز بیضایی (صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۱۳۷۲)

شمع کافوری، شمعی بوده که کافور را به آن می‌افزودند و در هنگام سوختن شمع، بوی مطبوعی در فضا پخش می‌شده است. کافور ماده‌ای سفید، خوشبو و گران‌بها بوده و شمع کافوری جزو کالاهای تجملی و گران‌بها به‌شمار می‌آمده است. در شعر طالب آملی نیز از پخش بودن گرد کافور در حرم سخن گفته شده است (طالب آملی، ۱۳۴۶، ص. ۱۶۱). بنابراین حرم مطهر رضوی همیشه مطهر و خوش‌بو بوده است (صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۱۳۶۸). علاوه بر شمع‌های معطر، در حرم، عود و کندر و مواد خوش‌بو، نیز دود می‌شده است:

می‌فند در دست و پای خادمانش آفتاب تا مگر چون عودسوز آنجا تواند یافت بار (همان، ص. ۱۳۷۰)

شمع‌افروزی نیز به مراسم روشن کردن شمع در حرم مطهر به‌منظور نذر، ادای عهد و عرض ارادت به امام رضا^(ع) اطلاق می‌شده است. افروختن شمع در قسمت‌های مختلف حرم مطهر در میان زائران و مجاوران به هنگام تشریف مرسوم بوده است. در باور عامه، افروختن شمع امری مقدس محسوب می‌شده و پیشکشی، نذر و وقف شمع

و دیگر وسایل روشنایی به حرم امری رایج بوده است. قدیم‌ترین سند مربوط به مصرف شمع‌های مومی برای روشنایی حرم متعلق به ۱۰۱۵ق است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۶، صص. ۱۳۵-۱۳۶).

روشن کردن شمع و دود کردن عود و کندر و سایر مواد معطر در حرم نیز از رسومی است که در مدایح رضوی دوره صفوی بازتاب دارد. درواقع بیشترین کیفیت حرم رضوی که در شعر دوره صفوی از حرم رضوی برای ما گزارش شده، یکی روشنایی و دوم خوشبویی حرم مطهر است. مثلاً در شعر صائب، بیان می‌شود زائری که با خود حتی یک شمع نیم‌سوخته برای روشنی حرم ببرد، درواقع شمعی برای تاریکی شب‌های گور خود تا قیامت روشن کرده است:

هرکه شمع نیم‌سوزی برد با خود زین حرم ایمن از تاریکی قبر است تا روز شمار
(صائب، ۱۳۸۹، ج. ۲/ ص. ۱۳۷۰)

گاهی نیز شمع‌ها گران‌قیمت و کافوری بوده‌اند که از این کیفیت آن‌ها نیز در اشعار این دوره سخن رفته است.

۸-۳. بست‌نشستن و اعتکاف در حرم رضوی

بست‌نشینی یکی از رسوم اجتماعی دوره صفویه بوده است. بست‌نشستن به معنی پناه بردن است:

از امکان مقدسه و بقاع متبرکه چون مکه یا روضه حضرت رسول و مقبره امامان و امامزادگان و در خانه شاهان و مردمان بزرگ بدان جای پناه ببرند تا از تعقیب مصون مانند و پلیس و ضابطین و عمال قضا یا حکام عادتاً به آنان تعرض نتوانند کرد و از آن‌جا بیرون نتوانند آورد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۳/ ص. ۴۷۳۹).

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

معمولاً در جلوی محوطه بست، زنجیر کشیده بودند که زنجیربست نامیده می‌شد و گنهکاران در آن محل پناه می‌گرفتند و راه مخالفان بر او بسته می‌شد. شکستن بست گناهی نابخشودنی به‌شمار می‌آمد. انگلبرت کمپفر، پزشک آلمانی که در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمده بود، می‌نویسد که بست نام کاخی در مجموعه عالی‌قاپو شهر اصفهان نیز بوده که مخالفان در آن پناه می‌گرفته‌اند (کمپفر، ۱۳۶۳، ص. ۲۰۵).

همچنین دو خیابان موسوم به بست بالا و بست پایین در روزگار صفوی در جوار بارگاه امام هشتم بوده است. مؤلف کتاب *مطلع/الشمس* می‌نویسد:

بست بالا خیابان؛ به عرض ۲۲ ذرع و امتداد ۹۰ ذرع است که نهر بزرگ چشمه گیلان، چشمه گلسب از وسط آن می‌گذرد و رفتن حیوانات بدانجا ممنوع است و در قدیم مقصّران در آنجا بست می‌نشستند و بست پایین خیابان؛ به عرض ۲۲ ذرع و امتداد ۹۰ ذرع است و مانند بست بالا، خیابان نهر چشمه گیلان از میان آن می‌گذرد و هر دو بست جزء خیابان علیا و سفلی مشهد است و صحن کهنه، فاصله میان دو بست است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج. ۲/ ص. ۲۳۸).

بست‌نشستن در حرم رضوی^(۴) از دیگر سنن مربوط به این بارگاه در دو قرن دهم و دوازدهم بوده که در مدایح این دوره نیز آمده است. اشرف مازندرانی با ایجاد تناسب هنری بین بست، بسته و گشادگی، درباره بست‌نشستن در حرم رضوی می‌گوید پایین خیابان منتهی به حرم، بست است و هرکسی در بارگاه رضوی بست بنشیند، بستگی در کار خود نخواهد دید. وی بست‌نشینان رضوی را به دلیل گشایش قطعی کارشان، مایه رشک می‌داند:

به بستگی دیگر نبیند هرکه زو یابد گشاد	رشک دارم بر کسی کو را به بست افتاده کار
بست گردیده است پایین خیابان‌های او	همچو هندو بست بهر عقد دُر شاهوار
(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۷)	

تعداد زیادی از مردم در دوره صفویه نیز معتکف حرم رضوی به قصد قربت یا رفع حوائج بوده‌اند. مورخان دوره صفوی چون روملو و سبزواری از معتکفانی نوشته‌اند که این آستانه مقدس را به عنوان مکان راز و نیاز انتخاب می‌کردند و مدت مدیدی در آنجا سکونت می‌گزیدند. چنانکه شاه عباس نیز مدتی مدید معتکف مشهد بود (روملو، ۱۳۵۷، ص. ۴۰۵، ۴۰۶؛ سبزواری، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۸). این امر در دواوین شاعران این دوره نیز بازتاب دارد:

ز زهد عاکف و سیار صحن روضه او به ناز و منت گیرند من و سلوی را
(نظیری، ۱۳۴۰، ص. ۵۵۶)

بابا فغانی شیرازی نیز معتکفان حرم رضوی را در برابر منتظران آن حضرت، زنده دلان خبیر و باخبران خموش می‌نامد (فغانی، ۱۳۴۰، ص. ۳۴). بسیاری از این شاعران این عهد مثل، صائب، قصّاب کاشانی، شیخ بهایی و قاضی نورالله شوشتری نیز مدتی مجاور حرم رضوی در مشهد بوده‌اند و این شاید دلیلی دیگر بر تعدد سرایش مدایح رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم باشد.

برخی آداب و رسوم مذهبی، مثل، نخل‌بندی در محرم یا قربانی کردن گوسفند به مناسبت اعیاد مذهبی، به‌ویژه در عید قربان و فطر و غدیر، از دیگر رسوم است که در صحن حرم رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم با حضور خادمان انجام می‌شده است:

به ارتقای مقام نفوس خدامش نوید ذبح عظیم است کیش قربی را
وسيلة شرف از عیدگاه او حجّاج به قدس و کعبه فرستند فطر و اضحی را
(نظیری نیشابوری، ۱۳۴۰، ص. ۵۵۶)

اشاره به این رسوم در مدایح رضوی در دو قرن دهم تا دوازدهم، اندک است.

۴. نتیجه

با توجه به سیاست مذهبی صفویه برای بزرگداشت شعائر مذهبی تشیع، سرودن اشعار مذهبی برای ائمه شیعه در دو قرن دهم تا دوازدهم رایج شد. در مدایح بیشتر به صنایع ادبی و محتوای مدح و ستایش و منقبت توجه شده است، اما شعر رضوی دو قرن دهم تا دوازدهم پاره‌ای از فواید اجتماعی مربوط به زیارت، زائران و کیفیت حرم رضوی را در دوره صفوی، گزارش داده است. این توصیفات اگرچه کلی و بیانگر ارادت شاعران به آستان قدس رضوی هستند، اما جزئیات برخی آداب و رسوم زیارت در آن دوره و زائران را از میان آن‌ها می‌توان دریافت که با حال حاضر قابل مقایسه است.

در شعر رضوی این دوره به آداب زیارتی چون بست‌نشینی و اعتکاف، گرداندن تابوت در اطراف حرم، خواندن نماز مستحبی، عتبه‌بوسی، سلام دادن، تدفین متوفیان در بارگاه رضوی، روشن کردن شمع در زیارت و عطرافشانی در زیارت امام هشتم اشاره شده است. البته از خاک مدفن امام هشتم نیز چون سایر ائمه به علت تشرف برای درست کردن مهر نماز استفاده می‌شده است.

از دیگر فواید اجتماعی شعر رضوی در عصر صفوی اشاره به وضعیت و احوال زائران در هنگام زیارت است، اینکه سر و روی اغلب زائران به دلیل اینکه از راه رسیده به زیارت می‌آمده‌اند خاک‌آلود بوده است، ازدحام موقع زیارت گاهی به شکستن دست و پای زائران منجر می‌شده است، زائران به عنوان نذر در حرم شمع می‌آورده و روشن می‌کرده‌اند و... به شهادت شعر این دوره، قبرهای زیادی از مردم در اطراف حرم رضوی وجود داشته است.

شاعران این دوره در ضمن شفاعت‌خواهی‌های معنوی، گاهی نیز درخواست‌ها مادی خود را در این مدایح می‌گنجاندند که در دیوان شعرا، این قطعات تقاضایی با نام «تخلص به مدح شاه خراسان یا امام رضا(ع)» آمده‌اند.

با توجه به جامعه آماری شاعران این تحقیق، صائب تبریزی و اشرف مازندرانی بیش از همه شاعران عصر صفوی، کیفیت زیارت و زائران و حرم رضوی را در اشعارشان گزارش کرده‌اند.

نتایج حاصل از این تحقیق همچنین حاکی از آن است که با توجه به نقش مهم و مذهبی مرقد مطهر رضوی در دوره صفوی، امام هشتم بر ادبیات ایران تأثیر بسزایی گذاشته است و روح مذهب به عنوان قوی‌ترین عامل فرهنگی در آیین‌ها، آداب و سنن و تشریفات خاص این مکان در ادبیات دوره صفوی متجلی شده است.

پی‌نوشت

۱. در فتاوی برخی مراجع تقلید حال حاضر مثل آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی گفته شده بوسیدن ضریح اشکالی ندارد و مستحب نیز است، چون تعظیم شعائر است، ولی احتیاط این است که بر آستان بوسه زنند (مطهری‌فرد، ۱۳۹۸). عتبه در عربی به معنی آستان است و شیعیان دوازده امامی به حرم‌های مطهر ائمه در عراق، عتبات عالیات می‌گویند.

منابع

- احمدی بیرجندی، ا.، و نقوی‌زاده، ع. (۱۳۶۵). *مدایح رضوی (ع) در شعر فارسی*. مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اخوان‌مهدوی، ع.، و نقدی، ر. (۱۳۹۶). *آیین‌های حرم مطهر رضوی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اشرف مازندرانی، م. (۱۳۵۰). *دیوان اشعار اشرف مازندرانی*. مصحح م. سیدان. تهران: انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*. ج ۳. تهران: پیشگام.
- بابویه قمی، م. (شیخ صدوق). (۱۳۵۴). *علل الشرائع*. ج ۱. تهران: مکتبه‌الداوری.

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

بابا فغانی شیرازی (۱۳۴۰). *دیوان اشعار بابا فغانی شیرازی*. مصحح ا. سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.

بحرانی، ع. (۱۳۹۱). *عوامل العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال* (بخش معجزات و فضایل). ج ۲۲. ترجمه م احمدی. مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع).
براون، ا. (۱۳۷۵). *تاریخ ادبیات ایران؛ از صفویه تا عصر حاضر*. ج ۴. ترجمه ب. مقدادی. تحشیه و تعلیق ض. سجادی و ع. نوائی. تهران: مروارید.

برقی، ا. (۱۳۷۱ ق). *المحاسن*. ج ۱. قم: دارالکتب الاسلامیه.
بیهقی، ا. (۱۳۷۴). *تاریخ بیهقی*. مصحح خ. خطیب رهبر. ج ۲. تهران: مهتاب.
پورنامداریان، ت.، قبادی، ح.، جهانگرد، ف.، و کیانی فلاورجانی، ع. (۱۳۹۶). *شعرستیزی در عهد صفوی*. زمینه‌ها. علل و مصادیق (براساس مفاهیم تحلیل گفتمان). *کهن‌نامه ادب پارسی*، ۱ (۲۳)، ۲۴-۱.

تأثیری تبریزی، م. (۱۳۷۳). *دیوان اشعار محسن تأثیری تبریزی*. مصحح م. جلالی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ترکمان، ا. (۱۳۷۷). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تهران: امیرکبیر.
جعفریان، ر. (۱۳۷۹). *صفویان در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. ج ۴. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جویای تبریزی، د. (۱۳۳۷). *کلیات جویای تبریزی*. به اهتمام م. لاهور، لاهور: پنجاب.
حرعاملی، م. (۱۳۷۰). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. ۲۰ ج. تصحیح م. الرازی. بیروت: دارالاحیاء.

حسنی قزوینی، ی. (۱۳۱۴). *لب‌التواریخ*. تهران: مؤسسه خاور.
حسینی، خ. (۱۳۷۹). *تاریخ ایلچی نظام‌شاه*. مصحح م. نصیری و ک. هاندا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۰، شماره ۴۴، خرداد و تیر ۱۴۰۱

خانی‌زاده، م. (۱۳۹۱). معرفی یکی از موقوفات آستان قدس. موقوفات عتیقی. پژوهش‌نامه مطالعات آرشیوی. ۱، ۹۷-۱۵۰.

حزین لاهیجی، م. (۱۳۶۲). دیوان اشعار حزین لاهیجی. مصحح ب. ترقی. ۲ ج. تهران: خیام.

دهخدا، ع. (۱۳۳۷). لغت‌نامه. ۳۳ ج. تهران: موسسه لغت‌نامه دانشگاه تهران.

سبکی، ت. (۱۳۱۸ق). شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام. مصر: المطبعة الأميرية الكبرى.

سمهودی، ن. (۱۴۱۹ق). وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی. ۴ ج. بیروت: دارالکتب العلمیه.

سیدای نسفی، م. (۱۳۸۲). دیوان اشعار سیدای نسفی. مصحح ح. رهبری. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی؛ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

شاپور تهرانی، ا. (۱۳۸۲). دیوان اشعار شاپور تهرانی. مصحح ی. کاردگر. تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی اسلامی.

صائب تبریزی، م. (۱۳۸۹). دیوان صائب تبریزی. ۲ ج. مقدمه شبلی نعمانی. تهران: علمی فرهنگی.

صدرحاج سید جواد، ا. (۱۳۸۰). دایرةالمعارف تشیع. ج ۱. تهران: حکمت و شهید سعید محبی.

صفا، ذ. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۴. بخش اول. تهران: فردوس.

صیدی طهرانی، م. (۱۳۶۴). دیوان اشعار صیدی تهرانی. به کوشش م. قهرمان. تهران: اطلاعات.

طالب آملی، م. (۱۳۶۴). دیوان اشعار طالب آملی. مصحح ش. طاهری. تهران: سنایی.

طغیانی، ا. (۱۳۸۵). تفکر شیعه و شعر دوره صفوی. اصفهان: دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

عالم‌زاده، ب. (۱۳۹۴). حرم رضوی به روایت تاریخ. تهران: به‌نشر.

فضولی بغدادی، م. (۱۳۴۱). دیوان اشعار حکیم فضولی بغدادی. تصحیح ح. مازی اوغلی. ترکیه: بی‌جا.

فهمی استرآبادی (۱۳۸۹). دیوان فهمی استرآبادی. مصحح م. کرمی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

بازتاب آیین‌های زیارت و احوال زائران در مدایح رضوی دوره صفوی _____ فاطمه تسلیم جهرمی

قصاب کاشانی، س. (۱۳۳۸). *دیوان اشعار قصاب کاشانی*. به تصحیح ح. پرتو بیضایی. تهران: کتابخانه ابن‌سینا.

کمپفر، ا. (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه ک. جهاننداری. تهران: خوارزمی.

مادلونگ، و. (۱۳۷۷). *فرقه‌های اسلامی*. ترجمه ا. سری. تهران: اساطیر.

مجلسی، م. (۱۳۸۰). *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. ۴۴ ج. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

محتشم کاشانی، ع. (۱۳۷۹). *دیوان اشعار محتشم کاشانی*. مصحح ا. بهداروند. تهران: نگاه.

محدثی، ج. (۱۳۸۶). آداب زیارت. فرهنگ کوثر، ۱۱، ۷۱-۷۶.

مطهری‌فرد، م. (۱۳۹۸). هم‌قدم با زائران اربعین (مطابق با فتاوی آیت‌الله ن. مکارم شیرازی). قم: انتشارات امام علی (ع).

نراقی، ا. (فاضل نراقی) (۱۴۲۲ق). *رسائل و مسائل*. به کوشش ر. استادی. ۳ ج. قم: کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملااحمد نراقی.

نظیری نیشابوری، م. (۱۳۴۰). *دیوان اشعار نظیری نیشابوری*. مصحح م. مصفا. تهران: امیرکبیر / زوآر.

نقدی، ر. (۱۳۹۹). *تاریخ و تشکیلات آستان قدس رضوی در عصر قاجار*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

نوری، ح. (۱۳۶۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ ۱۵ ج. قم: تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

واعظ قزوینی، م. (۱۳۵۹). *دیوان اشعار واعظ قزوینی*. مصحح م. سادات ناصری. تهران: علی‌اکبر علمی.

هادی، ر. (۱۳۸۸). *سیمای امام رضاع* (در شعر پارسی از سنایی تا جامی). *بهار ادب*، ۴، ۱۵۵-۱۷۰.

References

Ahmadinejad, A., & Naqvizadeh, M. (1986). *The meaning of Razavi (AS) in Persian poetry*. The Holy Shrine of Razavi.

- Akhvan-e Mahdavi, A., & Nagdi, R. (2017). *Rituals of the holy shrine of Razavi*. Islamic Research Foundation.
- Alamzadeh, B. (2015). *Razavi shrine according to history*. Publisher.
- Ashraf Mazandarani, M. (1971). *Ashraf Mazandarani poetry Divan* (edited by Seyed Mohammad Seydan. Dr. Mahmoud Afshar Yazdi Endowment Publications.
- Babafghani Shirazi. (1961). *Baba Faghani Shirazi poetry Divan* (edited by A. Soheili Khansari). Iqbal.
- Babavieh Qomi, A. (Sheikh Saduq). (1975). *Causes of Sharia* (vol. 1). Mhktabtolt Davari.
- Bahrani, A. (2012). *The worlds of knowledge and knowledge and conditions from verses, news and sayings (miracles and virtues section)* (translated into Farsi by M. Ahmadi). Imam Reza (AS) Cultural and Artistic Foundation.
- Barqi, A. (1992). *Al-Mahasin*. Islamic Library.
- Bayhaqi, M. (1995). *History of Bayhaqi* (edited by Khalil Khatib Rahbar). Mahtab.
- Brown, E. (1996). *History of Iranian literature: from Sufism to modern age* (translated into Farsi by M. Moqaddadi. Z. Sajjadiyya & A. Nawa'i). Morvarid.
- Dehkhoda, A. (1958). *Dictionary* (vol. 2). University of Tehran Dictionary Institute.
- Etemad-ol-Saltaneh, M. (1983). *Informed of the sun*. Pishgam.
- Fahmi A. (2010). *Fahmi Astarabadi's Divan* (edited by Mohammad Hossein Karami). Written Heritage Research Center.
- Fazuli Baghdadi, M. (1962). *Divan's poetry by Hakim Fuzuli Baghdadi* (edited by Hasbiyeh Mazi Oghli). Bija.
- Ghassab Kashani, S. (1952). *Kashani Butcher's poetry divan* (edited by H. Parto Beizai). Ibn Sina Library.
- Hadi, R. (2009). The image of Imam Reza (AS) in Persian poetry from Sanai to Jami. *Bahar Adab*, 4, 155-170.
- Hassani Qazvini, Y. (1935). *Labh al-Tawarikh*. Khavar Institute.
- Hazin Lahiji, M. (1935). *Divan of Hazin Lahiji poems* (edited by Bijan Tarqi). Khayyam.

- Hosseini, Kh. (2000). *History of the envoy of the Shah* (edited by Mohammad Reza Nasiri and Koichi Handa). Association of Cultural Works and Honors.
- Hurr's ameli, M. (1991). *The Shiite Instrument for the study of the legislative issue* (edited by Muhammad al-Razi). Dar al-Ahya.
- Jafarian, R. (2000). *Safavids in the field of religion, culture and politics*. Research Institute and University.
- Joya Tabrizi, D. (1958). *Generalities of Tabrizi by M. Lahore*. Panjab University.
- Kempfer, E. (1984). *Kempfer's travelogue* (translated into Farsi by K. Jahandari). Kharazmi.
- Khanizadeh, M. (2012). Introduction of one of the endowments of Astan Quds: antique endowments. *Journal of Archival Studies*, 1, 97-150.
- Madlung, W. (1998). *Islamic sects* (translated into Farsi by Abolghasem Sari). Asatir.
- Majlis, M. (2001). *Bihar al-Anwar al-Jama'ah al-Lahr al-Akhbar al-Imam al-Attahar*. Qom.
- Mohaddesi, J. (2007). Pilgrimage etiquette. *Farhang Kowsar*, 81, 71-76.
- Mohtasham Kashani, A. (2000). *Mohtasham Kashani poetry divan* (edited by A. Behdarvand). Negah.
- Molavi, A. (1974). *Draft list of endowments of Astan Quds Razavi*. Astan Quds Razavi.
- Motahari Fard, M. (2009). *In the same way as the Arbaceen pilgrims (according to the fatwas of Grand Ayatollah Nasser Makarem Shirazi)*. Imam Ali (AS) Publications.
- Naqdi, R. (2016). *History and organization of Astan Quds Razavi in the Qajar era*. Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Naraghi.Ahmad Ibn Muhammad (Fadhil Naraghi). (2002). *Essays and Issues by Reza Ostadi*. Congress in honor of scholars Mullah Mahdi and Mullah Ahmad Naraghi.
- Naziri Neyshabouri, M. (1961). *Divan of Naziri Neyshabouri poems* (edited by M. Mosafa). Amirkabir; Zavvare.
- Nouri, H. (1989). *The institution of understanding the means and the institution of the matter*. The Truth of the Founder of Al-Albayt.

- Pournamdarian, T. H., Ghobadi, F., Jahangard, A., & Falavarjani, A. (2017). Poetry in the Safavid era: contexts, causes and examples (based on the concepts of discourse analysis). *Old Persian Literature*, 8(1), 24-1.
- Rasouli, M. M., Hoshyar Qasr, R., Yahyaei, H., Hossein, G., Jalali, R., Saeedi Rad, A., Ali Jalali, I., Rezaei, A., & Sekandari, A. (2009). *Celebrities buried in the Razavi shrine*. Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Sabki, T. (1901). *Shafa'a al-Saqqam in the pilgrimage of the good names*. Al-Amiriya Al-Kubra Press.
- Sadr Hajjasid Javadi, A. (2001). *Shiite encyclopedia*. Martyr Saeed Mohebbi.
- Saeb Tabrizi, M. (2010). *Saeb Tabrizi divan* (edited by Allameh Shebli Nomani.). Scientific and Cultural.
- Safa, Z. (1985). *History of literature in Iran*. Ferdows.
- Samhoudi, N. (1999). *Wafa Al-Wafa' News of Dar Al-Mustafa*. Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya.
- Seidi Tehrani, M. (1985). *Seidi Tehrani poetry divan*. Information.
- Shapoor Tehrani, A. (2003). *Shapoor Tehrani poetry divan* (edited Yahya Kardgar). Museum and Documentation Center of the National Assembly.
- Sidai Nasfi, M. (2003). *Divan's poetry* (edited by Hassan Rahbari). Al-Huda International Publications; Astan Quds Razavi Publishing.
- Taesiri Tabrizi, M. (1994). *Mohsen poetry collection* (edited by Amin Pasha Jalali). University Publishing Center.
- Talib Amoli, M. (1985). *Talib Amoli poetry divan* (edited by Shahab Taheri). Sanaei.
- Toghyani, I. (2006). *Shiite thought and Safavid poetry*. University of Isfahan: Academy of Arts of the Islamic Republic of Iran.
- Turkman, E. (1998). *History of Abbasid scholars*. Amirkabir.
- Waez Qazvini, M. (1980). *Poetry divan of Waez Qazvini*. Ali Akbar Elmi.